

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مصادف با: ۱۱ رجب ۱۴۳۵

روز: یکشنبه

مطلب یازدهم: امر بعد از امر

در گذشته، مقصد اول از مقاصد علم اصول را پیرامون بررسی مدالیل الفاظ مفردة مستعمله در لسان شارع و یا مولی قرار دادیم. مبحث هفتم از مباحث مقصد اول را به بررسی مدالیل اوامر مستعمله در لسان شارع مقدس یا مولای حکیم اختصاص داده و آن را ذیل چند مطلب دنبال نمودیم. مطلب یازدهم مسأله امر بعد از امر می باشد به این معنا که در صورت تکرار امر توسط مولای حکیم، آیا امر دوم دلالت بر تأسیس دارد و یا تأکید امر اول می باشد؟ که اگر تأسیسی باشد، درخواست جدید بوده و باید متعلق امر تکرار شود و اگر تأکیدی باشد، تکرار عمل لازم نمی باشد.

تفصیل بحث از این مطلب، مانند مطالب گذشته، نیاز به تعقیب آن ذیل چند امر دارد.

امر اول: پیشینه تاریخ بحث

این بحث مانند بسیاری دیگر از مباحث علم اصول، پیشینه ای کهن دارد. شیخ مفید در تذکره^۱ که قدیمی ترین کتاب اصولی مدون شیعه می باشد و پس از ایشان سید مرتضی در ذریعه^۲، شیخ طوسی در عده^۳ و محقق حلی در معارج^۴ از علمای امامیه، و ابو اسحاق شیرازی در اللمع^۵، آمدی در الاحکام^۶ و دیگر علمای عامه، به این بحث پرداخته اند. به تبع این اعظم، متأخرین نیز به لحاظ نقش برجسته این بحث در استنباط فروع فقهی، از آن غافل نشده و در فصلی مربوط به فصول اوامر، از آن بحث نموده اند.

امر دوم: تحریر محل نزاع

بحث و نزاع در این مطلب، پیرامون امری است که در پی امری دیگر، خطاب به یک مکلف، صادر می شود. امری که پس از امری دیگر، خطاب به یک مکلف صادر می شود، چند صورت می تواند داشته باشد:

۱- امر دوم، به صورت غیر معطوف در پی امر اول ذکر شده، متعلق آن متفاوت از متعلق امر اول بوده و امکان جمع میان دو مأمور به در آن واحد وجود داشته باشد. مثلاً مولی می فرماید: «صلِّ، صم».

۲- امر دوم به صورت غیر معطوف در پی امر اول ذکر شده، متعلق این دو امر متفاوت بوده و امکان جمع میان دو مأمور به در آن واحد وجود نداشته باشد، مثلاً می فرماید: «صلِّ فی المسجد، صلِّ فی المدرسة».

۱- ایشان در مختصر التذکره باصول الفقه، صفحه ۳۰ می فرمایند: «فأما الأمران إذا عطف أحدهما على الآخر فالواجب أن يراعى فيهما الاتفاق في الصورة و الاختلاف فإن اتفقا دل ذلك على التأكيد و إن اختلفا كان لهما حکمان. و القول في الخبرين إذا تساويا في الصورة كالقول في الأمرين».

۲- ایشان در الذریعة الى اصول الشريعة، جلد ۱، صفحه ۱۲۵ می فرمایند: «فصل هل يتكرر المأمور به بتكرر الأمر؟ اعلم أن الصحيح هو أن الأمر إذا تكرر، فالظاهر يقتضي تناول الثاني لغير ما تناوله الأول».

۳- ایشان در العدة فی اصول الفقه، جلد ۱، صفحه ۲۱۵ می فرمایند: «فصل في حكم الأمر إذا تكرر بغير واو العطف و بواو العطف، ما القول فيه؟ اعلم أن الصحيح أن الأمر إذا تكرر بغير واو العطف تكرر المأمور به، و وجب كوجوبه».

۴- ایشان در معارج الاصول، صفحه ۱۰۳ می فرمایند: «المسألة العاشرة: إذا تكررت الأوامر، فإن اختلفت المأمور به، تعدد كقوله: (صلِّ صم). فإن تماثلا: فإما ...».

۵- اللمع فی اصول الفقه، صفحه ۷۰

۶- الاحکام، جلد ۲، صفحه ۱۸۴

خارج اصول، سال پنجم، «مبحث أوامر»... استاد معظم حاج شیخ عباسعلی زارعی سبزواری «دام مره»

۳- امر دوّم به صورت غیر معطوف در پی امر اوّل ذکر شده، متعلّق هر دو امر واحد بوده و قابل تکرار نمی باشد، مثلاً می فرماید: «صلّ یوم الجمعة، صلّ یوم الجمعة».

۴- امر دوّم به صورت غیر معطوف در پی امر اوّل ذکر شده، متعلّق هر دو امر واحد بوده و قابل تکرار می باشد، مثلاً می فرماید: «صلّ رکعتین، صلّ رکعتین».

۵- همانند صورت اوّل با این تفاوت که امر دوّم، معطوف بر امر اوّل می باشد، مثلاً می فرماید: «صلّ و صم».

۶- همانند صورت دوّم با این تفاوت که امر دوّم، معطوف بر امر اوّل می باشد، مثلاً می فرماید: «صلّ فی المسجد و صلّ فی المدرسة».

۷- همانند صورت سوّم با این تفاوت که امر دوّم، معطوف بر امر اوّل می باشد، مثلاً می فرماید: «صلّ یوم الجمعة و صلّ یوم الجمعة».

۸- همانند امر چهارم با این تفاوت که امر دوّم، معطوف بر امر اوّل می باشد، مثلاً می فرماید: «صلّ رکعتین و صلّ رکعتین».

تمام صوری که در آنها متعلّق دو امر متفاوت باشند - چه امر دوّم معطوف به امر اوّل باشد و چه نباشد - از محلّ نزاع خارج می باشند، چون بالاتفاق، در چنین صورتی، امری که در پی امر اوّل آمده است، دلالت بر تأسیس دستوری ثانوی دارد، لذا صورت اوّل و دوّم و همچنین صورت پنجم و ششم، از محلّ نزاع خارج می باشند.

محقق آمدی در الاحکام، همین مطلب را تأیید نموده و می گوید: «الامران المتعاقبان، اما ان لا یكون الثانی معطوفاً علی الاول او یكون معطوفاً، فإن كان الاول، فاما ان یختلف المأمور به او یتماثل، فإن اختلف، فلا خلاف فی اقتضاء المأمورین علی اختلاف المذاهب فی الوجوب و الندب و الوقف و سواء امکن الجمع بینهما كالصلاة مع الصوم ام لا یمکن»^۱ و سپس می گوید: «و اما ان كان الامر الثانی معطوفاً علی الاول، فإن كان المأمور به مختلفاً، فلا نزاع ایضاً فی اقتضاءهما للمأمورین، امکن الجمع بینهما ام لم یمکن»^۲.

و همچنین صوری که در آنها متعلّق دو امر متمائل بوده و قابل تکرار نیستند - چه امر دوّم معطوف به امر اوّل باشد و چه نباشد - نیز از محلّ نزاع خارج می باشند، چون بالاتفاق، در چنین صورتی، امری که در پی امر اوّل آمده است، دلالت بر تأکید امر اوّل داشته و تأسیس و تعدّد مطلوب نمی تواند اراده شده باشد؛ در حقیقت نفس عدم قابلیت تکرار، قرینه ای عامّه بر عدم اراده تعدّد مطلوب می باشد. لذا صورت سوّم و هفتم، از محلّ نزاع خارج می باشند.

بنا بر این، بحث و نزاع تنها در صورت چهارم و هشتم می باشد یعنی در جایی که متعلّق هر دو امر واحد بوده و قابل تکرار باشد، چه امر دوّم معطوف بر امر اوّل باشد و چه نباشد. البته این در صورتی است که امر دوّم، قبل از علم آمر به امتثال امر اوّل صادر شده باشد - خواه در واقع امتثال شده باشد و خواه نشده باشد - زیرا اگر بعد از علم آمر به امتثال امر اوّل صادر شده باشد، دلالت امر دوّم بر تأسیس، قطعی بوده و داخل در محلّ نزاع نخواهد بود.

خلاصه آنکه بحث از آن است که: «اگر امری در پی امر اوّل و قبل از علم آمر به امتثال امر اوّل صادر شده و از نظر متعلّق و مکلف واحد بوده و امکان تکرار وجود داشته باشد، دلالت بر تأکید دارد یا تأسیس؟».

«و آخر دعوانا ان الحمد لله رب العالمین»

۱- الاحکام، جلد ۲، صفحه ۱۸۴

۲- الاحکام، جلد ۲، صفحه ۱۸۵